

اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و سازگاری اجتماعی

دختران بزهکار خانواده‌های طلاق تحت پوشش بهزیستی

مژگان عباسی آبرزگه^۱

ندا قهرمانی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و سازگاری اجتماعی دختران بزهکار خانواده‌های طلاق تحت پوشش بهزیستی شهرستان رباط‌کریم انجام شد. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی از نوع طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دختران بزهکار خانواده‌های طلاق تحت پوشش بهزیستی در شهرستان رباط‌کریم در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶ بودند. حجم نمونه ۳۰ نفر از دختران بزهکار خانواده‌های طلاق بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب، و به صورت تصادفی در گروه‌های گواه و آزمایشی گمارده شدند (گروه آزمایش: ۱۵ نفر/ گروه گواه: ۱۵ نفر). ابزار پژوهش پرسشنامه سلامت عمومی (۱۹۷۲) و پرسشنامه سازگاری اجتماعی بل (۱۹۴۵) بود. برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیری و چند متغیری استفاده شد. نتایج تحلیل نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و سازگاری اجتماعی دختران بزهکار خانواده‌های طلاق مؤثر بوده است ($P < 0/01$). با توجه به اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و سازگاری اجتماعی، طراحی و اجرای برنامه آموزش مهارت‌های زندگی جهت بهبود وضعیت سلامت روانی و سازگاری اجتماعی دختران بزهکار پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه‌ها: مهارت‌های زندگی، دختران بزهکار، سازگاری اجتماعی، سلامت روانی، طلاق

۱. (نویسنده مسئول)، کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه ملی ملایر،

Mozghanabbasiabrazgah@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد واحد مرودشت، ghahremani.neda@gmail.com

مقدمه

خانواده جایگاهی امن برای ارضای نیازهای گوناگون جسمانی، عقلانی و عاطفی است. بنابراین آگاهی از نیازهای زیستی و روانی و شناخت چگونگی ارضای آنها بسیار ضروری است (عدالتی و رذروان^۱، ۲۰۱۰). یکی از مهم‌ترین معضلاتی که بر فرد، جامعه و به خصوص کودکان، آسیب‌های مخرب و منفی دارد، تعارضات زناشویی و اختلاف والدین و در نهایت جدایی و طلاق^۲ است (قربانی، ۱۳۸۵). آمارها حاکی از این است که نرخ طلاق در نقاط مختلف دنیا از جمله ایران در حال افزایش است، طبق گزارش سازمان ثبت احوال، تعداد کل طلاق‌های ثبت شده در ایران در سال ۱۳۸۵، ۹۴۰۳۹ مورد بوده است. در حالی که در سال ۱۳۹۱ تعداد طلاق‌های ثبت شده در کشور ۱۵۰۳۲۴ مورد می‌باشد. سازمان ثبت احوال کشور آمار طلاق را تا بهمن ماه سال ۱۳۹۵ برابر ۱۶۵۹۸۱ مورد اعلام داشته است (سازمان ثبت احوال ایران، ۱۳۹۵؛ نقل از عباسی آبرزگه، ۱۳۹۷).

تغییر در ساختار خانواده با ایجاد فشار و استرس برای تمامی اعضای خانواده همراه است و اغلب موجب افزایش مشکلات اقتصادی، اجتماعی و افزایش احتمال سازگاری روانشناختی پایین در بین اعضای خانواده می‌شود (مارتینز - پاملیگا و همکاران^۳، ۲۰۱۵). رابطه بین طلاق و سلامت روانشناختی فرزندان بسیار پیچیده است و این نکته را خاطر نشان می‌سازند که طلاق صرفاً یک رویداد نیست بلکه فرآیندی است که تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت را به وجود می‌آورد (آماتو^۴، ۲۰۱۴). جانسون^۵ (۲۰۱۱)، بیان می‌کند که سلامت روان^۶ در افرادی که خانواده خود را غیر پاسخگو می‌پندارد و یا والدین‌شان از هم جدا شده‌اند به صورت معنادار از سایر افراد پایین‌تر است. نتایج پژوهش‌ها نشانگر آن است که به طور متوسط فرزندان خانواده‌های تک‌والدی نسبت به فرزندان خانواده‌های سالم از لحاظ پیشرفت تحصیلی و اعتماد به خود، مهارت‌های اجتماعی و رفتاری از مشکلات بسیار بیشتری رنج می‌برند (برناردی و رادی^۷، ۲۰۱۴؛ اینسون^۸، ۲۰۱۵؛

-
1. Edalati & Redzuan
 2. divorce
 3. Martínez-Pampliega
 4. Amato
 5. Inthorn
 6. Mental Health
 7. Bernardi & Radl,
 8. Inthorn

بابالیس، تسلی، نیکوپولس و منیاتیس^۱، ۲۰۱۴؛ رایان، کلاسنس و مارکوویز^۲، ۲۰۱۵). از جمله عواملی که می‌تواند در فرزندان خانواده‌های از هم پاشیده یا طلاق مشاهده کرد پدیده جرم و بزهکاری^۳ است. از معضلات اجتماعی جوامع، پدیده‌ی جرم و بزهکاری است که در اثر مسائل و مشکلات اجتماعی نظیر فقر، بیکاری، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، دگرگونی در قوانین و الگوهای اجتماعی، تضعیف اعتقادات مذهبی و در کل بر هم خوردن تعادل در نظم اجتماعی پدید می‌آید. جرم و بزهکاری منحصر به مردان نیست، زنان هم از مشکلات اجتماعی در امان نیستند و زندگی آنها، دستخوش بحران و نابسامانی می‌گردد و گاهی مرتکب جرم می‌شوند. اگرچه ممکن است تعداد زنان مجرم کمتر از مردان باشد، لیکن تأثیر اجتماعی و فرهنگی بزهکاری زنان بسیار بیشتر از مردان است. زنان به دلیل نقش مهم مادری و تربیتی و پایه و ستون خانه بودن در صورتی که مرتکب جرم شوند، اثرات منفی بسیار زیادی در خانواده دارند. زمانی که مادر به هر دلیلی اعم از فوت، طلاق، بزهکاری و ... در خانه حضور نداشته باشد، تربیت فرزندان دچار اشکال می‌شود (شایگان و معتمدی، ۱۳۹۳). بنابراین با بزهکاری زنان نه تنها یک زن بلکه ممکن است نسل یک خانواده به بزهکاری و تباهی کشیده شود. همچنین زنان بزهکار با ارتکاب جرایمی چون روسپی‌گری و تن فروشی، قوادی و... زمینه بی‌قید و بند بودن روابط بین زنان و مردان را فراهم می‌آورند (شایگان و معتمدی، ۱۳۹۳). بر اساس اطلاعات موجود، در شش ماهه نخست سال ۱۳۹۰ حدود ۵۲۰ زن بزهکار در شهرستان رباط کریم بازداشت موقت شدند. که در مقایسه با شش ماهه اول سال ۱۳۸۹ حدود ۱۰۰ نفر افزایش داشت. از این تعداد حدود ۱۴۰ نفر به جرم رابطه نامشروع و روسپی‌گری، ۷۳ نفر به جرم دایر نمودن خانه فساد، ۱۴۵ نفر به جرم خرید، فروش و نگهداری مواد مخدر، ۵۲ نفر به جرم سرقت و مابقی به دلایلی چون فرار از منزل، درگیری، جرایم مالی، ولگردی و همسرکشی یا معاونت مؤثر در قتل همسر خویش مورد پیگیری قضایی قرار گرفته و برخی از آن‌ها روانه زندان شدند (پلیس اطلاعات و امنیت عمومی رباط کریم، ۱۳۹۰؛ به نقل از شایگان و معتمدی، ۱۳۹۳). از جمله عواملی که می‌تواند در شیوع بزهکاری در دختران مؤثر باشد عبارتند از: تجربیات تلخ دوران کودکی مانند کتک خوردن، فحش و ناسزا شنیدن، مشاهده کتک خوردن خواهر یا مادر توسط پدر یا برادر و بی‌توجهی والدین و احساس تبعیض (جلی، ۱۳۸۸)، نوع منزل مسکونی، تحصیلات، وضعیت اشتغال، شغل پدر، طبقه اجتماعی و محل سکونت حاشیه و غیرحاشیه بودن شهر (باقری، ۱۳۸۹).

1. Babalis, Tsoli, Nikolopoulos & Maniatis

2. Ryan, Claessens & Markowitz

3. Guiltiness

میان فوت، غیبت، ناسازگاری و طلاق والدین و بزهکاری زنان رابطه معناداری وجود دارد، همچنین خشونت، اعتیاد، وضعیت بد اقتصادی و مهاجرت با بزهکاری زنان رابطه معناداری دارد (باقری، ۱۳۸۱). اختلاف و مشاجره والدین، تبعیض قائل شدن بین فرزندان، محکومیت اعضای خانواده و وضعیت بد اقتصادی خانواده با بزهکاری دختران رابطه دارد (صفدری، ۱۳۸۹). کاستی‌های پایه‌ای در روابط ابتدایی خانواده، انحرافات ناشی از بیماری روانی، عوامل فیزیکی و عوامل محیطی در انحراف زنان و دختران دخیل بوده‌اند (مگینیس^۱، ۲۰۰۷). همچنین به طور کلی می‌توان گفت بین فرار از خانه در زنان و دختران با برخی ویژگی‌های خانوادگی، به ویژه درگیری‌ها و کشمکش والدین، ازدواج‌های اجباری، بی‌سوادی و یا سطح پایین سواد والدین، بیکاری و نداشتن درآمد والدین و وضعیت اقتصادی ضعیف والدین رابطه وجود دارد (ساکی و همکاران، ۱۳۸۶؛ ربانی خوراسگانی و ربانی اصفهانی، ۱۳۹۳). معمولاً در دخترانی که به عنوان زنان بزهکار شناخته می‌شوند عواملی مانند سلامت روان و سازگاری اجتماعی^۲ دستخوش تغییراتی می‌شود. می‌توان گفت سلامت روان یکی از مقوله‌های مهم در مباحث روانشناسی و روانپزشکی است (سرابی مجاب و همکاران، ۱۳۹۰). سازمان بهداشت جهانی^۳، سلامت روان را یک حالت سلامتی کامل اجتماعی، روانی جسمی، نه فقط نداشتن بیماری یا ناتوانی بیان می‌کند. همچنین سلامت روان به عنوان درک افراد از توانایی‌های خودشان، بهره‌وری شغلی، سازگاری با فشارهای عادی زندگی و سهیم بودن در اجتماع تعریف شده است (هیلی و لینک^۴، ۲۰۱۲). سلامت روان به مفهوم احساس درونی خوب بودن و اطمینان از کارآمدی، اتکا و اعتماد به خود، قابلیت رقابت، دوست داشتن دیگری، شکوفایی استعداد و توانایی فکری و هیجانی است (اویبوده^۵، ۲۰۱۵). سلامت انسان به معنای رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی تعریف شده است. بر این اساس، یکی از سه رکن مهم سلامت انسان‌ها، سلامت روان است که در تعامل با سلامت جسمانی و اجتماعی باعث سلامت کلی می‌شود (کمالی و حسنی، ۱۳۹۵). متغیر دیگر مورد بررسی در این پژوهش سازگاری اجتماعی است. همسوسازی نیازهای فردی و نیازهای اعضای جامعه مفهومی به نام سازگاری اجتماعی را متصور می‌شود که از ارکان سلامت روان و متضمن جایگاه فرد در اجتماع است (والی‌پور، ۱۳۷۲؛ به نقل از صبحی قرامکی، حاجلو و محمدی، ۱۳۹۴). انسان محصول اجتماع است و در نتیجه تحت تأثیر نظام‌ها و فرهنگ‌های جامعه خود قرار دارد. بنابراین انسان برای به دست آوردن آرامش باید با

-
1. McGinnis
 2. Social Adjustment
 3. World Health Organization
 4. Healy & Link
 5. Oyebode

اجتماع سازگار شود که ابعاد سازگاری می‌تواند شامل سازگاری روانی، سازگاری اجتماعی و جسمانی باشد و همچنین برای به دست آوردن این سازگاری و آرامش باید نیازهای خود را با جامعه هماهنگ کند (اسلامی‌نسب، ۱۳۷۳؛ به نقل از صبحی قرامکی، ۱۳۹۴).

یکی از روش‌های مؤثر و کارآمد در میان رویکردهای درمانی برای مقابله با فشارهای روانی، روش آموزش مهارت‌های زندگی^۱ است. در این روش از طریق عرضه آموزش‌های مورد نیاز، مجموعه مهارت‌های لازم برای کامیابی در زندگی طی مراحل دهگانه به فرد آموزش داده می‌شود و به او کمک می‌شود تا توانایی‌ها، اطلاعات، گرایش‌ها و مهارت‌های لازم برای زندگی موفق، سالم و بدون فشار روانی زیاد را در خود پرورش دهد. اصطلاح مهارت‌های زندگی، به گروه بزرگی از مهارت‌های روانی اجتماعی و میان فردی گفته می‌شود که به افراد کمک می‌کند تا تصمیمات خود را آگاهانه اتخاذ کنند، ارتباط مؤثر برقرار نمایند، مهارت‌های مقابله‌ای و مدیریت شخصی خود را گسترش داده و زندگی سالم و باروری داشته باشند، مهارت‌های زندگی ممکن است درباره فعالیت‌های شخصی و یا فعالیت‌های مربوط به دیگران باشد، همچنین ممکن است از آن‌ها به منظور تغییر محیط به محیطی سالم استفاده شود (جوادی و حسین زاده، ۱۳۹۵). بسیاری از نتایج پژوهشی، اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی را تأیید کرده‌اند. از جمله نتایج پژوهش شجاعی و همکاران (۱۳۹۴)، نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی بر راهبردهای تمرکز مجدد مثبت برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، سرزنش خود، سرزنش دیگران، تلقی فاجعه‌آمیز و راهبرد پذیرش تأثیر معنی‌داری داشته است. یافته‌ها بیانگر اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان بود (ناصری، عزیزپور، صیدی، رحمانی و سایه میری، ۱۳۹۴؛ مؤمنی مهموئی، تیموری و رحمان‌پور، ۱۳۹۰). همچنین تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی در ارتقای میزان عزت‌نفس، سازگاری اجتماعی، ارتباط بین فردی، افزایش حل مسئله به تأیید رسیده است (یالسن و کاراهان^۲، ۲۰۰۷؛ بوتوین و کانتور^۳ ۲۰۰۰؛ جوادی و حسین‌زاده، ۱۳۹۵). بنابراین پیشنهاد می‌شود با طراحی و اجرای برنامه آموزش مهارت‌های زندگی جهت بهبود راهبردهای تنظیم شناختی هیجان اقدام شود. ماتیسو و همکاران^۴ (۲۰۱۷)، به بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی (LSE) و آموزش روان‌شناسی در کاهش نمره جوانان بر روی کودکان نهاد شده با استفاده از فعالیت‌های ساختاری حمایت شده توسط تسهیل‌کنندگان آموزش دیده پرداختند. نتایج این پژوهش نیز نشان داد که ترکیبی از مهارت‌های زندگی و آموزش روان‌شناسی در کاهش مشکلات عاطفی و رفتاری

1. Life Skills Training
2. Yalcin & Karahan
3. Botvin & Kantor
4. Mutiso

در افراد نهادینه شده موثر است. با توجه به آنچه گفته شد و با توجه به کمبود پیشینه پژوهشی در زمینه اثرگذاری اجرای شیوه‌های مبتنی بر آموزش‌هایی در جهت پیشگیری و درمان مسائل و مشکلات روحی و روانی دختران خانواده‌های طلاق، به خصوص در ایران، لزوم بررسی این امر ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال است که: «آیا آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و سازگاری اجتماعی دختران بزهکار خانواده‌های طلاق تحت پوشش بهزیستی مؤثر است؟»

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، نیمه آزمایشی و طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه گواه می‌باشد. جامعه‌ی آماری شامل کلیه دختران بزهکار خانواده‌های طلاق تحت پوشش بهزیستی شهرستان رباط‌کریم در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶ است. برای تعیین حجم نمونه، دخترانی که براساس پرونده مادران آن‌ها در بهزیستی بزهکار شناخته شده بودند و در پرونده قید شده بود که به شکل فرار از خانه، اعتیاد و لاپالایی‌گری جنسی مطرح شده بودند، شناسایی و پس از مصاحبه با آن‌ها وارد فرآیند آموزش شدند. قبل از شروع آموزش، از دختران شرکت کننده در پژوهش خواسته شد به ابزارهای پژوهش پاسخ دهند. برای تعیین نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۳۰ نفر از دختران بزهکار خانواده‌های طلاق انتخاب، و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل). شیوه اجرا بدین شکل بود که قبل از مداخله، روی ۲ گروه آزمون‌های مورد نظر اجرا شده و سپس ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای انجام گرفت. در فاصله بین جلسات به آزمودنی‌ها تکالیف خانگی ارائه گردید. پس از مداخله بر روی گروه آزمایش مجدداً آزمون‌ها روی دو گروه اجرا شد. برنامه زمان بندی و سرفصل های آموزشی مهارت‌های زندگی در جدول صفحه بعد آمده است:

جدول ۱. خلاصه جلسات آموزشی مهارت های زندگی

تعداد جلسات	هدف	سرفصلها
جلسه اول	معارفه و آشنایی با مهارت های زندگی	معارفه- تعیین اهداف آموزش توضیحاتی پیرامون آموزش مهارت های زندگی و کاربرد آن در زندگی- نقش اعضا در گروه
جلسه دوم و سوم	آموزش مهارت حل مسئله	تعریف مسئله و مشکل ویژگی های افراد موفق در حل مسئله- بیان فن «چرا» در مواجهه با مسائل توضیح راهکار بارش فکری در مواجهه با مسئله- تحلیل موقعیت مسئله- مقابله و انواع آن بیان راهکار عینک های هفتگانه- بیان تجربیات اعضا در برخورد با مسائل.
جلسه چهارم و پنجم	آموزش مهارت مقابله با استرس	تعریف استرس و اضطراب و بیان تفاوت ها- بیان نشانگان جسمی- شناختی- هیجانی و رفتاری با ذکر مثال- بیان عوامل موثر در بروز استرس در افراد- بیان انواع استرس و تقسیم بندی استرس به لحاظ مکان و زمان و پیامدها- توضیح چرخه ABC (افکار- باورها و برداشتها) ویژگی های افراد مقاوم در مواجهه با استرس- راهکارهای کاهش استرس- بیان تجربیات اعضا و راهکار مورد استفاده در مواجهه با استرس ها.
جلسه ششم و هفتم	آموزش مهارت کنترل خشم	تعریف خشم- بیان تفاوت خشم و تهاجم- بیان نشانه های جسمانی خشم- بیان روش های ابراز خشم در افراد و پیامدهای هر یک از این روش ها- مهارت های مورد نیاز در مواجهه با خشم- بیان تجربیات اعضا گروه در مواجهه با خشم خود و اطرافیان.
جلسه هشتم	جمع بندی- نتیجه گیری و ارزشیابی کیفی جلسات.	بحث گروهی پیرامون جلسات آموزشی- مرور مباحث و نتیجه گیری

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ): این پرسشنامه توسط گلدبرگ در سال ۱۹۷۹ ابداع شد. هدف از طراحی آن، کشف و شناسایی اختلالات روانی در مراکز و محیط‌های مختلف بوده است. سوالات پرسشنامه که به بررسی وضعیت روانی فرد در یک ماهه اخیر می‌پردازد، شامل نشانه‌هایی مانند افکار و احساسات نابهنجار و جنبه‌هایی از رفتارهای قابل بررسی بود، به همین دلیل پرسش‌ها بر موقعیت «اینجا و اکنون» تأکید داشت. در انتخاب پرسش‌ها بر روی چهار حوزه کار شده بود: اولین حوزه مالیخولیا در نظر گرفته شد که در برگیرنده طیف گسترده‌ای از پرسش‌های وضعیت جسمانی بود. دومین حوزه اضطراب و احساس آشفتگی روانشناختی و سومین حوزه رفتار قابل بررسی عینی بود که پرسش‌های مربوط به اختلال در کارکرد اجتماعی در آن منظور شده بود و چهارمین حوزه به افسردگی اختصاص داشت. این پرسشنامه به صورت فرم‌های ۶۰، ۳۰، ۲۸ و ۱۲ پرسشی طرح شده است. فرم استاندارد شده یا ۲۸ پرسشی که در این آزمون از آن استفاده شده است براساس تحلیل عاملی بر روی فرم کامل سلامت عمومی یعنی نسخه ۶۰ پرسشی آن می‌باشد که ۴ مقیاس نشانه‌های جسمانی، اضطراب، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی را در بر می‌گیرد. پرسشنامه سلامت عموم مانند سایر فرم‌های پرسشنامه سلامت عمومی به صورت چهار گزینه‌ای بوده که در آن طیف پاسخ‌ها به صورت «خیلی کمتر از همیشه، کمتر از همیشه، مثل همیشه و بیشتر از همیشه» می‌باشد. اعتبار این پرسشنامه در مطالعات مختلف از جمله پلانگ (۱۳۷۵) و یعقوبی (۱۳۹۱) مورد بررسی قرار گرفته که به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۸ بوده و وضعیت سلامت عمومی ۰/۹۱ بدست آمد که بیانگر ثبات درونی قابل قبول این پرسشنامه‌ها می‌باشد. با توجه به جامعیت و استاندارد بودن آن، در این مطالعه از این پرسشنامه استفاده می‌شود.

پرسشنامه سازگاری بل^۱ (BAI): بل (۱۹۶۱)، در زمینه سازگاری، دو پرسشنامه ارائه کرده است که یکی مربوط به دانش‌آموزان و دانشجویان و دیگری برای بزرگسالان که (فرم حاضر) از ۱۶۰ عبارت به شیوه پاسخگویی بلی، خیر و نمی‌دانم تشکیل شده است. در پژوهش یاد شده از فرم بزرگسالان استفاده شده است. هر فرم ۵ بعد را شامل می‌شود، سازگاری در خانه، سازگاری بهداشتی، سازگاری اجتماعی، سازگاری عاطفی و سازگاری شغلی، بل (۱۹۶۲)، ضرایب آلفا را معادل ۰/۸۹ بدست آورد. پژوهش میکائیلی و امامزاده نیز پایایی این آزمون را ۰/۸۴ و روایی آن را ۰/۸۰ بدست آورد.

یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی میانگین و انحراف معیار مورد بررسی قرار گرفتند. در بخش آمار استنباطی نیز برای بررسی فرضیات از تحلیل کوواریانس تک متغیری (ANCOVA)

1. Bell adjustment inventory

و چندمتغیری (MANCOVA) با استفاده از نرم افزار 22- SPSS استفاده شده است، و به منظور بررسی نرمال بودن داده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف، پیش فرض همگنی واریانس‌ها از آزمون لون و آزمون خطی بودن استفاده شده است.

با توجه به رعایت شدن مفروضه‌های تحلیل کوواریانس می‌توان از این آزمون برای تحلیل داده‌ها استفاده کرد. جدول (۲) میانگین و انحراف معیار را در مورد متغیرهای خود «سلامت روان» و «سازگاری اجتماعی» نشان می‌دهد.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	مرحله آزمون	گروه آزمایش		گروه کنترل	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
سلامت روان	پیش آزمون	۳۶/۹۳	۵/۵۰	۳۷/۰۷	۵/۷۳
	پس آزمون	۵۴/۲۰	۸/۲۱	۳۶/۱۳	۷/۴۲
سازگاری اجتماعی	پیش آزمون	۱۸/۲۷	۳/۸۲	۱۸/۴۰	۳/۷۷
	پس آزمون	۱۴/۱۳	۲/۶۴	۱۸/۶۰	۳/۶۹

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌کنید در پیش‌آزمون نمرات سلامت روان میانگین نمرات سلامت روان در گروه آزمایش در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون افزایش یافته است. همچنین مشاهده می‌شود که میانگین نمرات سازگاری اجتماعی در گروه آزمایش در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون کاهش یافته است همچنین میانگین نمرات سلامت روان و سازگاری اجتماعی در گروه کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت چشم‌گیری نداشته است.

مقادیر آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای متغیرهای سلامت روان و سازگاری اجتماعی در هیچ یک از مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه‌های آزمایش و کنترل معنادار نمی‌باشند ($P > 0/05$) لذا می‌توان نتیجه گرفت که توزیع نمرات در این متغیرها نرمال می‌باشد. همچنین مقادیر آماره F که نشان دهنده مقدار آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس‌های گروه‌های آزمایش و کنترل می‌باشد، در هیچ یک از متغیرهای سلامت روان و سازگاری اجتماعی معنادار نمی‌باشد ($P > 0/05$). با توجه به این نتیجه پیش فرض برابری واریانس‌های دو گروه آزمایش و کنترل در متغیرهای پژوهش تأیید می‌شود. مقدار F نیز با توجه به تجزیه و تحلیل آماری در عامل خطی بودن، از $0/05$ بیشتر نشده است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیر همراه و متغیر وابسته رابطه خطی وجود دارد. با توجه به این که آزمون ام باکس معنادار نشده است ($P > 0/05$ و $F = 1/65$) می‌توان نتیجه گرفت که ماتریس‌های کوواریانس مشاهده شده متغیرهای وابسته در بین گروه‌های مختلف برابر هستند.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری تأثیر متغیر مستقل بر میزان نمرات متغیرهای پژوهش

متغیر	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
سلامت روان	۲۴۱۸/۷۳	۱	۲۴۱۸/۷۳	۵۳/۲۳	۰/۰۰۱	۰/۶۸
سازگاری اجتماعی	۱۴۴/۱۸	۱	۱۴۴/۱۸	۲۱۴/۴۲	۰/۰۰۱	۰/۸۹

همانگونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری در سلامت روان نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان دختران بزهکار خانواده‌های طلاق مؤثر بوده است ($F= 53/23$ و $P < 0/01$). با توجه به مقادیر میانگین این متغیر برای گروه آزمایش در پیش آزمون (۳۶/۹۳) و پس آزمون (۵۴/۲۰)، مشاهده می‌شود که ارایه آموزش باعث افزایش میانگین نمرات آزمودنی‌ها در پس آزمون گردیده است.

در مورد سازگاری اجتماعی نیز نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی بر سازگاری اجتماعی دختران بزهکار خانواده‌های طلاق مؤثر بوده است ($F= 214/42$ و $P < 0/01$). با توجه به مقادیر میانگین این متغیر برای گروه آزمایش در پیش آزمون (۱۸/۲۷) و پس آزمون (۱۴/۱۳)، مشاهده می‌شود که ارایه آموزش مهارت‌های زندگی باعث کاهش میانگین نمرات آزمودنی‌ها در پس آزمون گردیده است. همانطور که قبلاً ذکر شد از آنجایی که نمره این پرسشنامه بصورت معکوس تفسیر می‌گردد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و سازگاری اجتماعی دختران بزهکار خانواده‌های طلاق تحت پوشش بهزیستی در شهرستان رباط-کریم بود. نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان دختران بزهکار مؤثر بود. به عبارت دیگر آموزش مهارت‌های زندگی باعث افزایش میزان سلامت روان آزمودنی‌ها شده است و میانگین آن در پس آزمون گروه آزمایش بیشتر از پس آزمون گروه کنترل بوده است. این یافته با نتایج پژوهش‌های (عالی و همکاران، ۱۳۹۴)، ناصری و همکاران (۱۳۹۴)، مؤمنی مهمویی و همکاران (۱۳۹۰) و ثمری و لعلی فاز (۱۳۸۴)، همسو بود.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که درصد بسیاری از فرزندان خانواده‌های طلاق و پرتنش ممکن است دچار اختلالات رفتاری-هیجانی اختلال افسردگی، اختلال اضطرابی، اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای، اختلال وسواس فکری-عملی و مشکوک به عدم سلامت روان باشند که شدت و ضعف مشکلات روانی-عاطفی در این افراد می‌تواند به میزان تنش، از هم پاشیدگی و سستی خانواده در

این افراد بستگی داشته باشد. با توجه به این که فرزندان یکی از گروه‌های هستند که در معرض آسیب‌های ناشی از طلاق قرار دارند و تحقیقات نشان داده‌اند که یکی از علل ابتلای کودکان به انواع اختلال‌های روانی و یکی از منابع آسیب روانی کودک، در ماهیت تعامل آن‌ها با والدین‌شان بالاخص با والدین بیمار می‌باشند (هترینگتون و همکاران، ترجمه طهوریان، ۱۳۷۳). پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که آموزش مهارت‌های زندگی در زمینه افزایش مدیریت استرس سلامت روانی، جسمانی، تقویت اعتماد به نفس و احترام به فرد، کمک به تقویت ارتباط بین فردی، پیشگیری از مشکلات روانی، رفتاری، اجتماعی، کاهش اضطراب و افسردگی و کاهش افت تحصیلی و افزایش مدیریت هیجان مؤثر بوده است (گلشنانی، محمدنژاد و اقدسی، ۱۳۹۳). افرادی که دارای سلامت روان کافی باشند، می‌توانند ضمن احساس رضایت از زندگی با مشکلات خانوادگی به طور منطقی برخورد کنند. پیشگیری اولیه، به منظور ممانعت از شروع اختلال روانی است و از طریق مبارزه با عوامل استرس‌زا و حالتی که منجر به اختلالات روانی می‌شوند و تقویت مقاومت افراد را به همراه دارد انجام می‌شود. در این بین آموزش مهارت‌های زندگی به افراد کمک می‌کند تا مهارت تقاضای کمک و راهنمایی از دیگران در مواقع ضروری و نیز همدلی و داشتن روابط اجتماعی متقابل و همراه با احترام را یاد گرفته و بدین ترتیب به ارتقاء و سلامت روان خود کمک نماید (فتحی، شاه‌مرادی و شیخی، ۱۳۹۵).

نتایج همچنین نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی بر سازگاری اجتماعی دختران بزهکار مؤثر بوده است. به عبارت دیگر آموزش مهارت‌های زندگی باعث افزایش میزان سازگاری اجتماعی آزمودنی‌ها شده است و میانگین آن در پس آزمون گروه آزمایش بیشتر از پس آزمون گروه کنترل بوده است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های حاتمی و کاووسیان (۱۳۹۲)، صبحی قراملکی و همکاران (۱۳۹۵)، یاسین و کاراهان (۲۰۰۷) و بتوین و کانتور (۲۰۰۰) همسو بود.

در تبیین این یافته می‌توان گفت، با توجه به این که یکی از خصوصیات خانواده‌های که کارکرد خوبی دارند انعطاف‌پذیری است و با توجه به این که طبق مدل سازگاری خانواده‌درمانی، انعطاف-پذیری خانواده به واسطه حضور حمایت اجتماعی توانایی افراد را برای مدیریت استرس و قضاوت شخصی فرد از عوامل استرس‌زا بالا می‌برد، استرس و هیجان‌های منفی اغلب منجر به اضطراب، افسردگی و خشم می‌شود که کیفیت زندگی و سازگاری اجتماعی افراد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد (پترز، بروسما و کوپمن^۱، ۲۰۰۸). در این میان آموزش مهارت‌های زندگی به عنوان مهارت-هایی که افراد را در رسیدن به سطحی از سازگاری یاری می‌کند، می‌تواند با کمک به افزایش ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دختران بزهکار موجب کاهش عوارض منفی ناشی از این اختلال در بین

این افراد شود. در واقع این آموزش با افزایش سازگاری اجتماعی منجر به افزایش پذیرش اجتماعی در این افراد می‌شود که خود در بلند مدت تغییرات مثبت روانی را برای فرد به همراه می‌آورد. به دلیل محدودیت زمانی پژوهشگر این پژوهش در شهرستان رباط‌کریم انجام گرفته است و قابل تعمیم‌دهی به دختران بزهکار در شهرهای دیگر نمی‌باشد. با توجه به اثرگذاری آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و سازگاری اجتماعی، پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی مربوط به استفاده موثر از آموزش جامع مهارت‌های زندگی از طریق آموزش پرورش و مراکز بهزیستی برای خانواده‌های طلاق و پرتنش برگزار شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- باقری، معصومه، (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم زنان مطالعه نمونه‌هایی از زنان در شهر اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران.
- باقری، مهشید، (۱۳۸۱)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری زنان محبوس در بند نسوان زندان اوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران مجتمع آموزش عالی قم.
- جوادی، فرزانه؛ حسین‌زاده، داوود. (۱۳۹۵). تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سازگاری اجتماعی، تاب‌وری و سلامت عمومی خانواده‌های معتادان شهر تهران، نواندیش سبز، ۱۰ (۳۷).
- جبلی، معصومه، (۱۳۸۸)، بررسی عوامل فردی مؤثر بر بزهکاری زنان در تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم انتظامی.
- حاتمی، محمد؛ کاوسیان، جواد. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سازگاری فرزندان شاهد و ایثارگر، مجله‌ی روانشناسی مدرسه، ۲(۲)، ۴۴-۵۷.
- ربانی خوراسگانی، علی؛ ربانی اصفهانی، حوریه. (۱۳۹۳). بررسی کیفی تأثیر خانواده در میزان بزهکاری دختران و زنان (بررسی موردی بند نسوان زندان مرکزی اصفهان)، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۳(۸)، ۱۷-۳۳.
- ساکی، ماندانا؛ صفار، میترا، جزایری، حسین؛ آستی، پروین؛ جاریانی، مژگان؛ ساکی، مژگان، (۱۳۸۶)، بررسی ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی زنان و دختران فراری نگهداری شده در مرکز مداخله در بحران‌های اجتماعی استان لرستان، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ۹ (۱)، ۳۵-۴۲.
- سرابی‌مجاب، ملیحه؛ حسن‌آبادی، حسین؛ مشهدی، علی؛ اصغری‌نکاح، محسن، (۱۳۹۰)، تاثیر آموزش والدین بر خودکارآمدی مادران کودکان مبتلا به درخودماندگی، مجله اصول بهداشتی، ۱۳(۱)، ۸۴-۹۳.
- شایگان، فریبا؛ معتمدی، صدیقه، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در بزهکاری زنان (مقایسه‌ی زنان بزهکار با زنان غیربزهکار تحت پوشش بهزیستی ربا طکریم)، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۶ (۶۴).
- شجاعی، ستاره؛ همتی علمدارلو قرقانی، یعقوب؛ میراحمدی، زهره، (۱۳۹۴)، اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در مادران کودکان با اختلال‌های طیف اتیسم، مجله مطالعات ناتوانی، (۵)، ۱۷۹-۱۸۹.
- صبحی قراملکی، ناصر؛ حاجلو، نادر؛ محمدی، سکینه، (۱۳۹۵)، بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سازگاری اجتماعی کودکان پیش دبستانی. مجله روانشناسی مدرسه، ۵(۳)، ۱۱۸-۱۳۱.

- صفدری، زهرا، (۱۳۸۹)، بررسی علل اجتماعی موثر در بزهکاری دختران نوجوان شهر مشهد با تأکید بر خانواده، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- عباسی آبرزگه، مژگان، (۱۳۹۷)، مقایسه علایم اختلالات اضطرابی، ابراز هیجان و پذیرش اجتماعی در کودکان طلاق دارای تجربه مرگ والدین و عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ایران.
- فتحی، نبی؛ شاه‌مرادی، مراد؛ شیخی، سعید، (۱۳۹۵)، تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و سازگاری فردی - اجتماعی دانش آموزان پسر سال اول متوسطه شهرستان شوش، نشریه مطالعات آموزشی- مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش، (۱)۴.
- قربانی، بیژن، (۱۳۸۵)، مقایسه افسردگی در کودکان و نوجوانان خانواده‌های عادی و خانواده‌های متقاضی طلاق شهر اصفهان، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۲۷-۲۸، ۹۲-۱۱۸.
- کمالی، سمیه؛ حسنی، فریبا، (۱۳۹۲)، رابطه راهبردهای مقابله با استرس و هوش هیجانی با سلامت روانی در دانش‌آموزان دختر شرکت‌کننده در کلاس‌های کنکور، مجله علوم رفتاری، (۱)۷، ۱۵-۱۶.
- گلشنانی، فریده؛ گل محمدنژاد، غلامرضا؛ اقدسی، علی نقی. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت های زندگی در دوران بارداری بر سلامت روان مادران باردار، فصلنامه آموزش و ارزشیابی، (۳۶)۷، ۸۹-۱۰۱.
- مؤمنی مهموئی، حسین؛ تیموری، سعید؛ رحمان‌پور، محمد. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و عزت‌نفس دانش‌آموزان دختر پایه پنجم مقطع ابتدایی، فصلنامه اندیشه‌های تازه در روانشناسی، (۴)۶، ۹۲-۱۱۲.
- ناصری، لیلیا؛ عزیزپور، یسری؛ صیدی، محمدرضا؛ رحمانی، ملوک؛ سایه‌میری، کوروش. (۱۳۹۴). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان دانشجویان جدیدالورود دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال ۱۳۹۱، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد، (۳)۱۹، ۲۲۷-۲۴۵.
- ثمری، علی‌اکبر؛ لعلی‌فاز، احمد، (۱۳۸۴)، مطالعه اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر استرس خانوادگی و پذیرش اجتماعی، فصلنامه اصول بهداشت روانی، (۲۵)۷، ۴۷-۵۵.
- هترینگتون، ای میویس، و پارک، راس دی، (۱۳۷۳)، روانشناسی کودک از دیدگاه معاصر، ترجمه جواد طهوریان و همکاران. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
- Amato, P. R. (2014). The consequences of divorce for adults and children: An update, *Drustvena Istrazivanja*, 23(1), 5.

- Babalis, T., Tsoli, K., Nikolopoulos, V., & Maniatis, P. (2014). The effect of divorce on school performance and behavior in preschool children in Greece: An empirical study of teachers' views. *Psychology*, 5(10), 20.
- Bernardi, F., & Radl, J. (2014). The long-term consequences of parental divorce for children's educational attainment. *Demographic research*, 30: 1653-1680.
- Botvin, G.J. & Kantor, L.W. (2000). preventing alcohol and tobacco use through life skills training. *Journal of the National Institute on Alcohol Abuse And Alcoholism. Alcohol research & health*, 24, 250- 257.
- Edalati, A. & Redzuan, M. (2010). Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal of American science*, 6(4): 132-137 .
- Healy, L. M., & Link, R. J. (2012). *Hand book of international social work, Human Rights, Development and The Global Profession*. London: Oxford University Press, Inc.
- Inthorn, S. (2015). Parent-child attachment in single parent families (Bachelor's thesis).
- Johnson, V. I. (2011). Adult children of divorce and relationship education: Implications for counselors and counselor educators. *The Family Journal*, 19(1): 22-29.
- Martínez-Pampliega, A., Aguado, V., Corral, S., Cormenzana, S., Merino, L., & Iriarte, L. (2015). Protecting Children After a Divorce: Efficacy of Egokitzen—An Intervention Program for Parents on Children's Adjustment. *Journal of Child and Family Studies*, 24(12): 3782-3792.
- McGinnis E. James " DELINQUENCY IN WOMEN". *Journal California Medicine*. Vol. 78. No. 4. (April, 2007).
- Mutiso, V., Tele, A., Musyimi, C., Gitonga, I., Musau, A., & Ndetei, D. (2017). Effectiveness of life skills education and psychoeducation on emotional and behavioral problems among adolescents in institutional care in Kenya: a longitudinal study. *Child and Adolescent Mental*.
- Oyeboade, F. (2015). Normality and mental health. In J. D. Wright (Ed.), *International encyclopedia of the social & behavioral sciences (second Edition)* (pp. 1-4). Oxford: Elsevier.
- Peeters, Y., Boersma, S. N., & Koopman, H. M. (2008). Predictors of quality of life: a quantitative investigation of the stress-coping model in children with asthma. *Health and quality of life outcomes*, 6(1), 24.
- Ryan, R. M., Claessens, A., & Markowitz, A. J. (2015). Associations between family structure change and child behavior problems: The moderating effect of family income. *Child development*, 86(1): 112-127.
- Yalcin, B.M. & Karahan, T.E. (2007). Effects of couple communication program on marital adjustment of the American board of family, medicine. *Journal of the American Board*, 20, 36-44.